

رفتار مطلوب سیاسی در سیره علوی

رشید رکابیان *

تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۲۱

چکیده

رفتار مطلوب سیاسی یکی از شاخصه‌های حاکمیت است که می‌تواند تاثیر زیادی در استحکام حکومت داشته باشد. در مورد نگاه به رفتار سیاسی، دو دیدگاه مثبت (مشروع) و منفی (نامشروع) وجود دارد که در نگاه مثبت، رفتار سیاسی را مطلوب و تعالی بخش برای جامعه می‌داند و در مقابل در نگاه منفی، سیاست به معنای دروغ‌گویی و دغل بازی تفسیر می‌شود. در سیره علوی (علیه السلام) رفتار سیاسی به معنای نیکودیدن سیاست برای کمال و سعادت جامعه است. بر این اساس، تحقیق به سؤال زیر جواب می‌دهد که مؤلفه‌های رفتار مطلوب سیاسی در سیره علوی کدامند؟ فرضیه تحقیق بر اساس نظریه آدلر که از چهار شاخصه نحوه تعامل، خود خلاق، سبک زندگی و آینده‌نگری تشکیل شده است، بدست می‌آید که در شاخصه اول نحوه تعامل رفتاری حضرت علی (علیه السلام) در چهار حوزه‌ی تعامل با خلفا، با مذاهب اسلامی و ادیان، حمایت از محرومان، تعامل امام (علیه السلام) با مردم، در شاخصه دوم رفتاری آن حضرت، خود خلاقیت در سه حوزه‌ی جهاد و دعوت، ائتلاف با مخالفان و خود خلاق در برخورد با مخالفان، در شاخصه سوم رفتاری، سبک زندگی در چهار حوزه‌ی عدالت محوری، بی‌توجهی به تعلقات، ساده زیستی، عمل به تکالیف و وظایف محوله؛ و در شاخص چهارم آینده‌نگری در سه حوزه‌ی فهم و تحلیل درست از شرایط تاریخی، ارائه طرح تأسیس نظام جدید و تدابیر عملی و کارساز در اداره امور جامعه و اولویت‌بندی مسائل رادر رفتار مطلوب سیاسی علوی بازتولید، تعریف و تفسیر می‌شود.

واژگان کلیدی

رفتار مطلوب سیاسی، سیره علوی، آدلر.

مقدمه

رفتار سیاسی مطلوب یک مؤلفه‌ای است که جامعه راه سوی کمال می‌برد. در مقابل این رفتار، رفتار شیطانی و حیوانی وجود دارد که جامعه را به متدانیه تبدیل می‌کند. اما اینکه رفتار مطلوب سیاسی چیست و چه کسانی این سیاست را می‌توانند در جامعه نهادینه کنند، به سیره علوی (علیه السلام) مراجعه می‌شود. از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) کسی شایستگی این سیاست را دارد که «حسن سیاست» داشته باشد، روش خوب سیاسی زمینه ساز ریاست است، ریاستی که در سایه آن حق احیا، و باطل از بین برود. حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

من حسنت سیاسته وجبت طاعته؛ (غرر ودرر، ۵: ۲۱)

آن کس که سیاست نیکو داشت اطاعتش واجب است.

ومی فرماید:

«من حسنت سیاسته دامت ریاسته؛» (همان، ۲۹۴)

آن کس که سیاست نیکو داشته باشد ریاستش دوام خواهد یافت.

در سخن دیگر آن حضرت (علیه السلام) اولین گام ورود در سیاست الهی را «سیاست و تربیت خویش» می‌داند و فرمود:

«من ساس نفسه ادرک السياسة؛» (همان، ۲۰۹)

آن کس که خویش را سیاست و مدیریت کند، سیاست را درک کرده است.

براین اساس می‌توان رفتار سیاسی مطلوب حضرت علی (علیه السلام) را براساس این روایات تحلیل کرد.

۱-تعریف مفاهیم

تعریف رفتار: رفتار واکنشی است که در برابر یک عمل یا کنش بیرونی از موجود زنده سر می‌زند. این رفتار در انسان پیچیده‌تر از سایر موجودات است. دلیل این پیچیدگی فرایندهای ذهنی گسترده و در هم فرورفته انسان است که روی هم رفته موضوع دانش روانشناسی را تشکیل می‌دهد. بنابراین رفتار یک واکنش بیرونی است. رفتارهای دیگران، واکنش‌های آن‌ها، حرف‌ها و گفتگوهای افراد، اتفاقاتی که در محیط می‌افتد و همه آنچه در بیرون از ذهن انسان اتفاق می‌افتد باعث می‌شود که او احساس خاصی را

در ذهنش داشته باشد. این احساس با ذهنیت و افکاری که از قبل داشت دست به دست هم می‌دهند و باعث می‌شوند که احساس و افکار جدیدی در ذهن انسان پرورش پیدا کند. احساس و افکار جدیدی که ساخته شده‌اند باعث به وجود آمدن واکنشی می‌شوند که به آن واکنش بیرونی می‌گویند. این واکنش بیرونی، رفتار انسان است. فرهنگ آکسفورد رفتار را عبارت می‌داند از: روشی که فرد عمل می‌کند، شیوه و سلوک برخورد و واکنشی که تحت شرایط مختلف از خود نشان می‌دهد. در تعریف دیگر، رفتار عبارت است از کوششی که برای رسیدن هدف‌هایی که موجب از بین رفتن عمل تنش‌هایی گردد. پس رفتار دراصل هدف‌گراست و هدف نقطه‌ای است که تمام فعالیتها برای رسیدن به آن انجام صورت می‌گیرد.

تعریف سیاست: سیاست دارای ریشه یونانی است و از کلمه polis به معنای شهر مستحکم و دارای قلاع و حصار گرفته شده است. (مقتدر، ۱۳۶۹: ۴۴۵) برخی از صاحب نظران در تعریف سیاست روی عامل قدرت تکیه دارند و تاکید می‌کنند که سیاست عبارت است از تلاشی برای دست آوردن قدرت و حفظ و اعمال قدرت. (مهرانی، ۱۳۸۹: ۸۷) سینگ معتقد است، قدرت عبارت است از توانایی بالقوه تأثیر در رفتار دیگران جهت تغییر رویدادها، غلبه کردن بر مقاومت و انجام کارهای مورد نظر، به طوری که اگر غیر از این بود انجام نمی‌شد.

رفتار سیاسی: استیفین رابینز معتقد است که رفتار سیاسی آن فعالیت‌هایی است که به عنوان بخشی از نقش رسمی فرد در سازمان ضرورت ندارد، اما در تعریف دیگر، رفتار سیاسی توزیع مزایا یا زیان‌هایی را در داخل سازمان تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تعریف شامل عناصر کلیدی است که عبارتند از: ۱- رفتار سیاسی خارج از مقررات شغلی است؛ ۲- این رفتار نیازمند تلاش جهت بکارگیری قدرت شخص است؛ ۳- همچنین این تعریف به تلاش برای نفوذ بر اهداف، ۴- معیارها یا فرایندهای مورد استفاده برای تصمیم‌گیری توجه دارد. (فخیمی، ۱۳۸۳: ۱۴۰)

در مورد رفتار سیاسی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. بعضی به بعد مثبت و مشروع رفتار سیاسی می‌پردازند و بعضی به بعد منفی و نامشروع آن تاکید دارند. آنهایی که از بعد منفی به این واژه نگاه می‌کنند سیاست را فریبکارانه و نیرنگ دانسته که مقصد و هدف آن، مقاصد شخصی است. به عبارتی این سیاست، «ماکیاولی» است، که مخالف دین و اخلاق به شمار می‌رود. هدف از این نوع سیاست، به قدرت رسیدن است به عبارت دیگر کنش یا رفتاری در حوزه امور عمومی است که مبتنی بر التواء و افتراء است. (صدر، ۱۳۹۸: ۴۴) در حالی که نگاه مثبت و مشروع به رفتار سیاسی، آن را متعالی و هدف آن راسعادت

می‌دانند. و به تحقق عدل و قسط و برقراری جامعه توحیدی و دفع شر و فساد در جهان می‌انجامد و در اهداف فردی، گروهی یا واقعیاتی خلاصه نمی‌شود.

رفتار سیاسی^۱ در سازمان شامل اعمال آگاهانه‌ای است که برای نفوذ بر افراد یا گروه‌ها به منظور دستیابی یا حفاظت از منافع خود به هنگام وجود راه حل‌های متضاد صورت می‌گیرد. (رضائیان، ۱۳۸۳: ۳۴). یا رفتار سیاسی آن دسته از فعالیت‌هایی است که انجام آن‌ها در سازمان ضرورت ندارد، اما در امر توزیع پاداش و تخصیص منابع سازمانی اعمال نفوذ می‌کند. افراد با استفاده از رفتار سیاسی، سعی در به دست آوردن و استفاده از قدرت در سازمان را دارند. امروزه، بیش‌ترین تلاش محققان برای مطالعه‌ی ادراک کارکنان از رفتار سیاسی است و این که آیا در انجام رفتار سیاسی باید اصول اخلاقی را رعایت کرد یا نه؟ بنابراین، رفتارسیاسی مجموعه‌ای از فعالیت‌هاست که به وسیله‌ی کارکنان سازمان برای به دست آوردن، افزایش و به کارگیری قدرت به کارگرفته می‌شود تا از آن طریق در شرایط بی‌ثباتی و عدم اطمینان و ناهماهنگی به اهداف خود برسند. (J. Pfeffer ; 1981, p.43)

با توجه به تعاریف بالا رفتار مطلوب سیاسی که مورد نظر این تحقیق می‌باشد عبارت است از مجموعه فعالیت‌های خوب و مورد پسند که به وسیله یک حاکم یا مدیر جهت اعتلای جامعه و جذب حداکثری به کارگرفته می‌شود تا به اهداف متعالی برسند.

۱-۱- پیشینه تحقیق

کتاب‌ها و مقالات زیادی در مورد سیره حضرت علی (علیه السلام) تدوین شده است و هر کدام از نویسندگان از جهات مختلفی به بحث سیره حکومتی حضرت (علیه السلام) پرداختند که از جمله این کتاب‌ها و مقالات چند نمونه اشاره می‌شود.

۱- جرج جرادیق دایرةالمعارف «صوت العدالة الانسانية» را تدوین کرد که بحث شخصیت و عدالت حضرت علی (علیه السلام) را بررسی نمود.

۲- کتاب «قدیس» اثری است به قلم ابراهیم حسن بیگی که نشر نیستان آن را منتشر نموده است. نگاهی تاریخی به بُعد حکومت‌داری حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در ۵ سال دوران خلافت آن حضرت (علیه السلام) است.

1. Theories of political behavior



۳- کتاب «فروع ولایت» اثری از آیت‌الله شیخ جعفر سبحانی است که به سیره و روش حضرت امیر علیه السلام پرداخته است.

۴- استاد شهیدی در کتاب «علی از زبان علی» به روایت جذاب زندگانی امیرالمؤمنین علیه السلام از بیان خود حضرتشان استفاده کرده و برهه‌های گوناگون زندگانی ایشان را تشریح کرده است. این کتاب را انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی منتشر نموده است.

۵- دانشنامه امام علی علیه السلام زیر نظر حجت‌الاسلام علی اکبر رشاد تألیف و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر نموده و موضوعاتی همچون: حکمت و معرفت، مبدأ و معاد، نبوت و امامت، اخلاق و سلوک، و همچنین مباحث بسیار مبتلابه حقوق، سیاست و اقتصاد در سیره و دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این کتاب بررسی شده است.

۶- مقاله شیوه مدیریتی حضرت علی علیه السلام در عصر خلفان نوشته محمدهادی فلاح زاده و راضیه علی اکبری در فصلنامه پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی چاپ شده که دوره خلفارا بحث نمود.

۷- تبیین مؤلفه‌های سیاست اخلاقی امام علی علیه السلام پس از رسیدن به امامت و حکومت نوشته حسین وفاطمه سلطان محمدی در فصلنامه پژوهشنامه علوی به سیاست اخلاقی حضرت پرداخته است. و.....
اما مقاله حاضر از زاویه روانشناسانه در حوزه‌های مختلف به بررسی سیاست مطلوب علوی پرداخته است. و در این زمینه نگارشی صورت نگرفته است.

۲- دیدگاه نظری مربوط به رفتار مطلوب سیاسی

۲-۱- بررسی تعاریف و مفاهیم بنیادی نظریه آلفرد آدلر

نظریه‌های آدلر در کتاب معروف او «جنبه نظری و عملی روانشناسی فردی» در سال ۱۹۸۲ انتشار یافت. آدلر برخلاف فروید که غریزه‌ها را انگیزه اصلی رفتار می‌دانست بر جنبه اجتماعی بودن انسان تأکید داشت. مهمترین ویژگی‌های اصلی نظریه آدلر را می‌توان به این صورت خلاصه کرد.
۱- اصل تعامل اجتماعی، ۲- اصل خود خلاق بودن (خلاقیت)، ۳- اصل سبک زندگی خاص، ۴- اصل آینده نگری.

۲-۱-۱- اصل تعامل اجتماعی.

به نظر آدلر انسان با علاقه اجتماعی به دنیا می‌آید و اجتماعی بودن در فطرت و ذات بشر است. اما این امر به صورت بالقوه است و مانند سایر غرایز فطری بر پرورش و به فعلیت درآمدن نیازمند است که این امر



از طریق تعامل اجتماعی صورت می‌گیرد. این ارتباط ابتدا از طریق مادر خانواده و سپس مدرسه، معلمان، همکلاسی‌ها و سرانجام افراد دیگر در جامعه انجام می‌شود. از آنجایی که حس برتری طلبی، ابتدا جنبه شخصی دارد اما بعدها به صورت اجتماعی در می‌آید. (کریمی، ۱۳۷۴: ۹۳) همچنین از نظر آدلر، وجود یک احساس اجتماعی، همگانی و مشترک است. احساس اجتماعی یا به نوعی تعاملات اجتماعی، پایه و اساس تمام پیشرفت‌های مهم تمدن است. تعاملات اجتماعی در نوع احساسات ما نسبت به دیگران و روابط با آنها تأثیرات به سزایی دارد. (برزگر، ۱۳۸۹: ۱۱۹)

۲-۱-۲- اصل خود خلاق بودن

مطالعات آدلر او را به این عقیده رساند که شخصیت آدمی فقط از استعدادها، غریزی و اثرات محیط بلکه در این میان خلاقیت و ابتکار خارجی و فعل و انفعالاتی که حاصل می‌کنند تشکیل نمی‌شود بلکه عوامل زیستی و شخصی هم در کار است. به این معنا که آدمی برای ارضای تمایل برتری جویی خود اجتماعی را در تجارب جدید و فعالیت‌های ابتکاری مورد استفاده قرار می‌دهد. (همان: ۱۲۰) آدلر در اوج نظریه خود بر قدرت فعال فرد یا «خود خلاق» انگشت می‌نهد و معتقد است که ما می‌توانیم شخصیت خود را مطابق با سبک زندگی یگانه خود تعیین کنیم. «خود فعال» هر فرد، شیوه اختصاصی هر فرد و فردیت وی را معین می‌کند. (سیاسی، ۱۳۷۷: ۹۴) مفهوم قدرت خلاق به این معناست که ما هوشیارانه در ساختن شخصیت و تعیین سرنوشت خود مشارکت کنیم نه اینکه منفعلانه منتظر بمانیم تا تجارب گذشته سرنوشت ما را تعیین کند. (برزگر، همان، ۱۱۷)

۲-۱-۳- سبک زندگی

خود خلاق و اصل برتری جویی موجب می‌شود که هر کس به وجهی خاص دست به عمل بزند و سبک خاص زندگی خود را پی‌ریزی کند. شیوه و سبک زندگی خاص، تکیه کلام آدلر است و در تمام نوشته‌هایش مکرر به کاررفته و مشخص‌ترین بعد روانشناسی فردی است. (شفیع آبادی، ۱۳۸۶: ۹۳) به نظر آدلر چگونگی تلاش فرد برای کنار آمدن با احساسات حقارت آمیز بخشی از زندگی خاص وی می‌شود. یعنی به صورت یک جانبه از کارکردهای شخصیتی وی در می‌آید. (همان)

هدف نهایی برای هر یک از ما، برتری یا کمال است، اما سعی می‌کنیم از طریق الگوهای رفتار مختلف به این هدف برسیم. هر یک از ما، این تلاش را به صورت متفاوت نشان می‌دهیم. ما الگوی منحصر به فردی از خصوصیات، رفتارها را پرورش می‌دهیم که آدلر آن را سبک زندگی خاص می‌نامد.

(سیدمحمدی، ۱۳۹۲: ۹۹)

آدلر معتقد است به اینکه رفتار آدمی را هدفهای او صورت می‌بخشند. او هم البته از اهمیت گذشته آدمی و تأثیری که در خود خلاق دارد غافل نیست، ولی اعتقادش این است که گذشته فقط حدود صحنه‌ی عمل را نشان می‌دهد، در صورتی که آینده است که در این صحنه چگونگی عمل بازیگران را معین می‌کند. باری این هدف نهایی است که آدمی را به دنبال خود می‌کشانند. مثلاً هدف و غرض نهایی دانشجو ممکن است رسیدن به مقامی باشد در صنعت، در تجارت، در سیاست و... این هدف سبب میشود که دانشجو سختی‌های تحصیل را به خود هموار کند و وصول به هدف‌های مقدماتی را که توفیق در امتحانات و دریافت درجات علمی است یکی پس از دیگری پشت سر بگذارد تا خود را به هدف نهایی کسب مقام یا جز آن برساند. (سیاسی، پیشین: ۹۲)

از نظر نگارنده، مؤلفه‌های فوق‌الذکر از چارچوب نظری آلفرد آدلر، جهت تحلیل و بررسی رفتار سیاسی امام علی (علیه السلام) به عنوان رهبری جامعه کفایت می‌کند. لذا گلیفوردگیرتر معتقد است که رهبری می‌تواند با ایجاد پیوند خود و ارزش‌های محوری جامعه بدان دست یافته و به اهدافش برسد. (Cliford 1983)

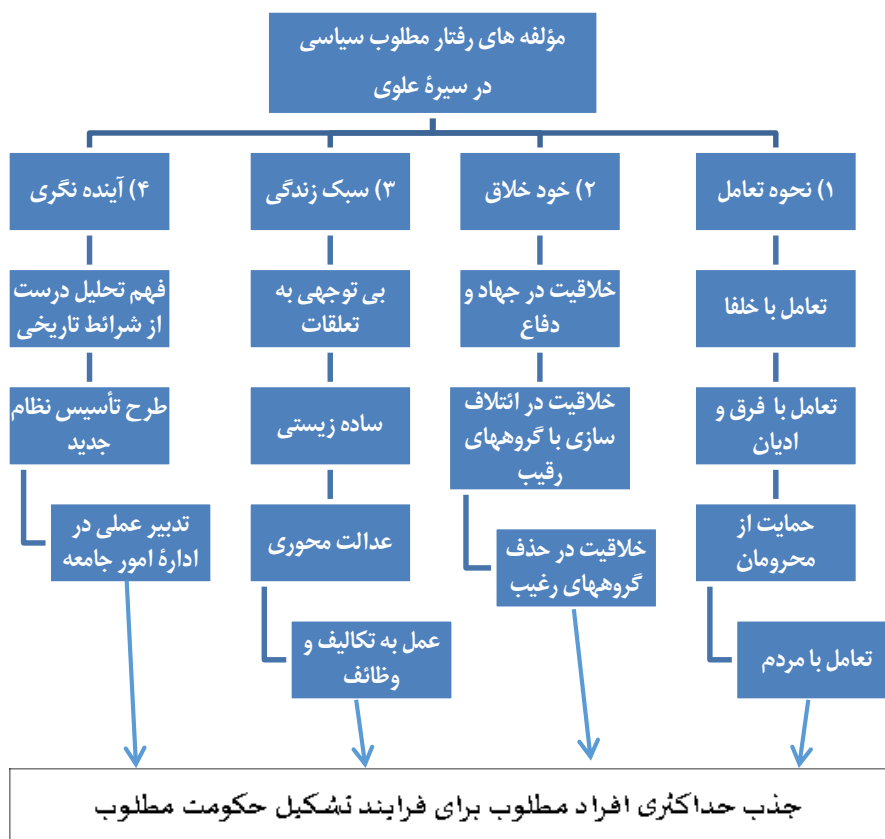
۳- روش پژوهش

جامعه آماری این تحقیق متنی است، لذا کتب، مقالات، پایان نامه‌ها، اسناد تاریخی از همه مهمتر کتاب نهج البلاغه استفاده می‌شود. روش انجام این تحقیق کیفی، مبتنی بر تبیین و تحلیل با رویکرد نظری روانشناختی است. انجام این پژوهش، در ارتباط با سیره علوی، راجع به مؤلفه‌های رفتار مطلوب سیاسی حضرت علی (علیه السلام) با رویکرد نظری روانشناختی، تحلیل خواهد شد. در این قسمت از نوشتار تحقیقی در صدد آنیم تا رفتار سیاسی در رسیدن به جامعه آرمانی را با توجه به معیارهای مطرح شده از دیدگاه آلفرد آدلر، نشان دهیم که در چهار مؤلفه و شاخص، انتخاب شد. مؤلفه نخست: نحوه تعامل حضرت علی (علیه السلام) در جذب افراد، که عوامل آن عبارتند از: نحوه تعامل حضرت علی (علیه السلام) با خلفا، تعامل با نخبگان، تعامل با توده‌های مردم، حمایت از محرومان، اعتماد متقابل بین مردم و حضرت علی (علیه السلام)؛ مؤلفه و شاخص دوم: خود خلاق حضرت علی (علیه السلام) در جذب افراد، که عوامل آن عبارتند از: خلاقیت در جهاد و دفاع، خلاقیت در ائتلاف سازی گروه‌های رقیب در فرآیند دوران امامت و حکومت، خلاقیت در حذف گروه‌های معارض با حکومت؛ و همچنین مؤلفه سوم: سبک زندگی خاص حضرت علی (علیه السلام) در جذب افراد، که عوامل آن عبارتند از: بی‌توجهی به تعلقات دنیوی، ساده زیستی، عدالت محوری، عمل به تکالیف و وظایف محوله و آخرین مؤلفه، دور اندیشی یا آینده نگری در جذب افراد که مهمترین عوامل



آن، فهم و تحلیل درست از شرایط تاریخی و ظرفیت‌های جامعه، ارائه طرح تأسیس نظام جدید، تدابیر عملی و کارساز در اداره امور جامعه و اولویت‌بندی مسائل، مورد بررسی قرار گرفته‌است و در مورد هر کدام از مؤلفه‌ها و عوامل آنها سعی شده‌است، مصداق‌هایی از رفتار مطلوب سیاسی حضرت علی (علیه السلام) را بر اساس کتب، مقالات، نهج البلاغه در جهت جذب و اثرگذاری بر افراد ارائه دهیم.

مدل مفهومی



نمودار: مؤلفه های رفتار مطلوب سیاسی علوی براساس دیدگاه آلفرد آدلر

۴- نحوه تعامل رفتار مطلوب سیاسی در سیره علوی

اولین خصوصیت و ویژگی مهم که از مؤلفه رفتار مطلوب سیاسی حضرت علی (علیه السلام) بر اساس نظریه آلفرد آدلر نحوه تعامل است. بی شک نحوه تعاملات حضرت علی (علیه السلام) در افراد اثربخشی دارد. مصادیق

متعددی را می‌توان درباره نحوه تعامل حضرت علی (علیه السلام) بیان نمود. سعی داریم به تبیین و توصیف این واقعیت‌ها بپردازیم.

۱-۴- تعامل با خلفا

در دوران خلافت خلفای سه‌گانه، حضرت هیچ اقدامی برای تضعیف آنان انجام نداد و همواره آنان را در تدبیر امور یاری کرد. بر اساس سیاست رایج در جوامع بشری حضرت علی (علیه السلام) باید زمینه لازم برای رسیدن به قدرت را، حتی به بهای تضعیف خلفا، فراهم می‌آورد؛ اما او فقط رضایت و عبودیت خداوند را در نظر داشت و هیچ‌گونه پیمان‌شکنی را، حتی با عالی‌ترین اهداف، مجاز نمی‌دانست. این در حالی است که آن حضرت همواره بر حق خویش در خلافت تأکید کرده است و حکومت خلفای پیشین را نامشروع می‌داند. (خطبه: ۲۸) او حکومت راحق مسلم خود می‌دانست اما برای رسیدن آن به هیچ روش نامشروعی اقدام نکرد و حتی از دادن وعده‌ای که نتواند به آن عمل کند اجتناب می‌کرد. امام از پاپمال شدن حق خویش به دست خلفا ناراضی بود، اما برای تثبیت موقعیتش هرگز نخواست جایگاه خلفا را تضعیف کند. علاوه بر این، برای پشتیبانی از اسلام و تضمین تداوم آن از هیچ کوششی در دوره حکومت خلفا دریغ نمی‌کرد. این تلاش شامل مناظره با یهودیان و مسیحیان، راهنمایی و ارشاد خلفا در امر مملکت‌داری، قضاوت و داوری در دادخواهی‌های دشوار و بیان احکام دین بود. (امینی، ۱۳۷۸: ۱۲۲)

بنابراین حضرت علی (علیه السلام) نه تنها فرمانروایان را از فیض وجود خود محروم نکرد بلکه از مشورت و همکاری و تعامل با خلفا دریغ نورزید و در پاسخ به پرسش عده‌ای از یاران درباره موضع خود راجع به خلفا مسئله «حفظ اسلام» را به عنوان مصلحتی مقدم بر خلافت برمی‌شمرد. (یعقوبی، بی تا: ج ۲: ۳۵) بنابراین رفتار سیاسی حضرت علی (علیه السلام) در تعامل با خلفا برگرفته از آموزه‌های وحیانی (فجر، ۲۷-۳۰، مائده، آیه ۸؛ انعام، آیه ۱۵۲، ذاریات، ۱۹-۲۰؛ معارج، ۲۴-۲۵ و...) بود و رفتاری خلاف اخلاق انجام نداد.

۲-۴- تعامل با مذاهب اسلامی و ادیان

از بررسی سیره حضرت علی (علیه السلام) بر می‌آید که همواره برای برقراری ارتباط صمیمی با مسلمانان غیر شیعه و ادیان دیگر همنشینی با آنان تلاش می‌کرده‌اند و تعاملات خوبی با پیروان مذاهب اسلامی و ادیان دیگر داشتند و بر ارتباط خوب و هم‌نشینی شایسته با آنان تأکید می‌کردند.

هنگامی که در نگاه حکمران، همه از جهت انسانیت، در یک جایگاه قرار می‌گیرند، دیگر تبعیض و امتیاز معنا ندارد؛ از این رو، در فرازهای متعددی از نهج البلاغه، به ویژه در نامه به مالک، حکمران از هرگونه

تبعیض بر اساس نژاد و دین و جایگاه بر حذر داشته می‌شود. (نامه ۵۳). امام علی (ع) فراتر از گفتار، در عمل و رفتار نیز، پرهیز از تبعیض را به زیباترین گونه به تصویر می‌کشد؛ زیرا معتقد است نخست حاکم باید رعایت کند تا رعیت نیز پیروی کنند لذا سبک حکومت حاکمان در شیوه رفتاری و سبک زندگی مردم تحت سلطه خود، تأثیر بسیاری دارد در همین رابطه حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«الناس بأمرائهم أشبه منهم بأبائهم إذا تغیر السلطان تغیر الزمان»

(ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۲۰۹/۱۹، حرانی، ۱۴۰۴، ۲۰۸).

خلیفه مسلمین حتی در برابر دستگاه قضا، خود را با یهودی یا نصرانی گمنامی برابر دانست و حتی به نوع بیان قاضی اعتراض کرد که او را امیرالمؤمنین (ع) خطاب کرد. درنهایت نیز، به راحتی حکم قاضی را علیه خود پذیرفت (ابن اثیر، بی تا: ۲۶۵/۳؛ ابن کثیر، ۱۴۰۹: ۴/۸-۵).

امام علی (ع) در حکومت خود، برای مخالفان دینی و سیاسی خود حق دیگری را نیز مفروض می‌دانست و رعایت آن را به کارگزارانش سفارش می‌کرد: رعایت آزادی‌های مشروع اقلیت‌ها و ادیان. و خود در پنج سال حکومتش، بر آزادی آنان در فعالیت‌های مذهبی‌شان تأکید می‌کرد (عمید زنجانی، ۱۳۷۰: ۱۹۳). البته مطابق فرآزهای دیگری از بیانات امام علی (ع)، آزادی آنان در فعالیت‌های مذهبی، به تبلیغ نشدن دین و مذهب اهل ذمه میان مسلمانان منوط بود (نبوی، ۱۳۸۰: ۹۰). یا امام علی (ع) روزی پیرمرد نابینایی را دید که دست به گدایی دراز کرده است. پرسید: این پیرمرد کیست؟ گفتند: مردی مسیحی است از کار افتاده و گدایی می‌کند. حضرت علی (ع) فرمود تا زمانی که پیر و ناتوان نشده بود، از او کار کشیدید، اینک [که به این حال و روز افتاده] نیکی خود را (خیر خود را) از وی بازداشته‌اید؟ از بیت المال خرج او را بپردازید. (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ۴۹). وی از این رو تصریح می‌کند که محبت و لطف به همه مردم وظیفه حاکم اسلامی است. گزینش چند بارة واژه‌های «ناس»، «رعیت»، «عامه» و «یا بن آدم» در خطبه‌ها، وصایا و فرمان‌هایش به کارگزاران خود، بیانی کامل از این دیدگاه است. حضرت علی (ع) در رفتار سیاسی خود از قانون وحی خارج نمی‌شد و این رفتار باعث جذب یهودی و مسیحی به او می‌شد.

۳-۴- حمایت از محرومان

توجه و اهتمام به امور معیشتی فقرا، محرومان و نیازمندان جامعه جایگاه ویژه‌ای در سیره ائمه معصوم (ع) دارد. حضرت علی (ع) حمایت از اقشار محروم و درمانده جامعه را جزو برنامه‌های اصلاحی خویش قرار داده بود، آن حضرت در عهدنامه خویش به مالک اشتر به وی مأموریت می‌دهد که هیچ‌گاه از اقشار محروم جامعه غفلت نرزد و نیازهای آنان را تأمین کند:

«ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى» (نهج البلاغه، نامه ۵۲).

آن حضرت علاوه بر فرمانیهایی که به کارگزاران خویش در جهت تأمین اجتماعی محرومان جامعه می‌دهد، خود نیز عملاً به تأمین این قشر در جامعه اقدام می‌کند. آن حضرت خود را «پدر یتیمان» معرفی می‌نماید و همچون پدر با آنان رفتار می‌کند (کلینی، ج ۲: ۴۰۶). در مورد نحوه و روش سیاسی حضرت علی (علیه السلام) در دوران حکومتش در حمایت از محرومان نکات زیر رعایت می‌شد.

۱- انفاق با حفظ کرامت فقرا (مفید ج ۲: ۲۲۲).

۲- انفاق پیش از عرض حاجت (مفید، ج ۲: ۱۶۶).

۳- مقدم داشتن دیگران بر خویشتن (طبرسی، ج ۲: ۴۲۷).

۴- ترویج خدمات پنهان اجتماعی.

۴-۴- تعامل امام با مردم

در رفتارسیاسی علوی، دولت و مردم دارای حقوق متقابلی هستند که رعایت این حقوق، تعامل به وجود می‌آورد. حضرت علی (علیه السلام) در تمام دوران امامت و حکومتش این تعامل را حفظ کرد. در رفتارسیاسی علوی، نخستین همگرایی و تعامل حقیقی بین مردم و حکومت، بیعت با حاکم و اطاعت از او است (طبرسی، ج ۳: ۹۸) که اصلاح جامعه و رعیت و حکومت را منوط به این امر می‌داند (نهج البلاغه، خ، ۲۱۶). لذا در کنار این بر مدارا و محبت و... تاکید داشتند. بر این اساس مردم از نگاه امام (علیه السلام) برادران دینی یا طبیعی زمام دار تلقی می‌شدند، چنان که به مالک اشتر فرمود:

«فَأَنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَحَ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرُكَ فِي الْخَلْقِ ...»

مردم بر دو دسته هستند، یا برادر دینی تو اند یا همسان تو در آفرینش. (نهج البلاغه، نامه ۵۳) مردم از نگاه امام هم چنین فرزندان معنوی حاکم اند که بر او لازم است بسان پدر و مادر نسبت به آنان تفقد و مهربانی ورزد... (همان) ... بر این اساس حاکم باید بال رحمت و مهر خود را بر ایشان بگسترده و میان ایشان حتی در نگاه کردن تبعیض قائل نشود. و می‌فرماید:

«فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَأَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَأَبْسِطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَأَسِ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَالنَّظَرَةِ

...» (همان، نامه ۲۷)

مردم چنان محترم هستند که زمام دار حق ندارد به خاطر تلاش و کوششی که برای اداره شئون آنان انجام می‌دهد بر ایشان منت نهد:

«وَأَيُّكَ وَالْمَنْ عَلَى رِعْيَتِكَ بِإِحْسَانِكَ، أَوْ التَّرِيدِ فِيمَا كَانَ مِنْ فِعْلِكَ، ...» (همان، نامه ۵۳)

و کارگزاران باید همواره در خدمت مردم بوده و پاسخ‌گوی نیازهای آنان باشند و خود را در میان حجاب‌ها پنهان نسازند؛ تنها پیام رسان آنان به مردم، زبان‌شان و تنها حاجبشان چهره‌شان باشد. احترام مردم نزد امام علیه السلام چنان است که اجازه نمی‌دهد به هنگام ورود خود به منطقه‌ای آنان خود را برای استقبال امام علیه السلام به زحمت انداخته و خوار سازند. چنان که وقتی وارد شهر انبار شد دهقان‌های آن دیار برای امام علیه السلام پیاده شدند و پیشاپیش امام علیه السلام دویدند. امام علیه السلام از آنان علت کارشان را پرسید. آنان گفتند: عادت است که داریم و بدان امیر خود را بزرگ شماریم. امام علیه السلام با نگوهرش این کار فرمود: به خدا که امیران شما از این کار سودی نمی‌برند و شما در دنیایتان خود را بدان به رنج می‌افکنید و در آخرتتان بدبخت می‌گردید (حکمت ۳۱).

۵- خود خلاق بودن حضرت علی علیه السلام در رفتار مطلوب سیاسی

دومین ویژگی مهم از مؤلفه رفتار مطلوب سیاسی امام علی علیه السلام، از نظریه آلفرد آدلر خود خلاق بودن (خلاقیت) است. چه بسا این ویژگی رفتاری امام علی علیه السلام، باعث جذایب‌های رفتاری در افراد شده است که در ذیل خواهیم پرداخت.

۱- ۵- خلاقیت در جهاد و دعوت

سیره مطلوب سیاسی امام علی علیه السلام در جهاد و دفاع در جذب افراد بر پایه اصول زیر استوار بود.

- ۱- پرهیز از آغاز کردن جنگ در میدان نبرد (طبری ۱۳۷۸: ۴: ۵۱۳).
- ۲- رعایت اصول اخلاقی و پرهیز از پیمان شکنی (ابن بابویه: ۱۳۸۵، ج ۲: ۶۰۳).
- ۳- منع تعرض به اموال غیر جنگجویان (الصالحی الشامی، ۱۴۱۴ ق، ج ۴: ۴۴۶).
- ۴- دعا و خیرخواهی برای دشمن برای نجات و هدایت انسانها (حرعاملی ۱۴۰۶، ج ۱۵: ۴۳).
- ۵- پرهیز از دشنام دادن به دشمن (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۴: ۱۴۵).
- ۶- شجاعت در برابر دشمن و پرهیز از فرار در مقابل دشمن (همان، ج ۳۳: ۵۹۵).
- ۷- ممنوعیت جنگ با غیر جنگجویان (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۳۵۵).
- ۸- ممنوعیت کشتار جمعی (حر عاملی، ۱۴۰۶، ۱۵: ۶۲).
- ۹- منع تعقیب کردن فراریان و کشتن مجروحان (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۳۷۳).
- ۱۰- ممنوعیت آسیب زدن به درختان و حیوانات (محیط زیست) (مجلسی پیشین، ج ۱۹: ۳۹۹).
- ۱۲- حفظ عمران و آبادیها (ابن ابی الحدید، ج ۱۵: ۶۵) و...

۲-۵- ائتلاف بامخالفان

امام علی (علیه السلام) در خطبه‌ای فرمود: بخدا سوگند! هر روزی که جنگ را به تأخیر می‌اندازم برای آن است که آرزو دارم عده‌ای از آنها به ما ملحق شده و هدایت شوند و در لابلای تاریکی‌ها، نور ولایت را نگریسته و به سوی آن بشتابند. (نهج البلاغه، خ ۵۵) در جریان سه جنگی که در زمان حکومت حضرت علی (علیه السلام) رخ داد رفتار آن حضرت (علیه السلام) بامخالفان باعث شد که اکثر آنها منطبق حضرت علی (علیه السلام) را بپذیرند.

در قضیه نهروان که [دشمنان] ده هزار نفر بودند، با رفتار مطلوب حضرت علی (علیه السلام) اکثر [آن‌ها] آمدند زیر پرچم اسلام. سلوک سیاسی امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر پایه معنویت بود و از سلوک معنوی او جدا نیست. رفتارهای سیاسی امیرالمؤمنین (علیه السلام) تا حد ممکن با مخالفان و دشمنانش مدارا بود.

یکی از خصوصیات امیرالمؤمنین (علیه السلام) در ممشای سیاسی‌اش این بود که با دشمنان و مخالفان خود با استدلال حرف می‌زد و استدلال می‌کرد. البته رفتار حکومتی حضرت بر پایه «عدالت»، «انصاف»، «برابر قراردادن همه آحاد مردم» بود.

۳-۵- خودخلاق در برخورد بامخالفان

پیرامون رفتارسیاسی امام علی (علیه السلام) در برخورد با مخالفان حکومت الهی است. بی تردید نمی‌توان حکومتی را یافت که مخالف نداشته باشد. بدون استثنا همه حکومت‌ها چه حق و چه باطل مخالف دارند. باید دریابیم که شیوه صحیح برخورد با مخالفان حکومت چیست و با کسانی که مبانی نظام را قبول ندارند، چگونه باید رفتار کرد؟.

مخالفان حکومت بر دو قسم‌اند: ۱- منتقدان که در چهارچوب پذیرفته شده نظام، انتقاد می‌کنند و به سلاح متوسل نمی‌شوند و به اصطلاح با شیوه سیاسی به مبارزات خود ادامه می‌دهند. ۲- معارضان؛ یعنی آنان که در برابر نظام اسلامی شورش مسلحانه می‌کنند که به اصطلاح فقهی «باغی» محسوب می‌شوند.

واضح است نحوه رفتار با این دو گروه متفاوت است. شیوه‌ای که حضرت علی (علیه السلام) در برخورد با گروه اول داشتند، اجازه اظهار نظر دادن به مخالفان و سپس روشنگری آن‌ها بوده است. در سیره امام علی (علیه السلام) نیز حضرت تا زمانی که مخالفانش دست به سلاح نبردند با کمال بزرگواری برخورد کرد و نه تنها حقوقشان را قطع نکرد، بلکه اجازه اظهار نظر و برپایی اجتماعات نیز به آنان داد. با دقت در سیره امام علی (علیه السلام) درمی‌یابیم که امام علی (علیه السلام) بامعارضان دوگونه برخورد داشته‌است: ۱- برخورد با سران انحراف و گمراهی؛ آنان که با علم و آگاهی، جمعی را به وادی ضلالت کشاندند؛ ۲- برخورد با زیر مجموعه، یا بدنه



معارضان که نوعاً افرادی ناآگاه و غیر مغرض اند (دینوری، پیشین ۱۴۳). برخورد آن حضرت علیه السلام با گروه اول؛ ابتدا نصیحت و ارشاد و سپس برخورد قاطع انقلابی بوده است. ولی برخورد با گروه دوم ماهیتاً با گروه اول، متفاوت بوده است. تمام تلاش حضرت در سه نبردی که داشت این بود که بدنه اصلی مخالفان خویش را از سر آن جدا کند. بر این اساس است که: ۱- بر آگاه کردن آنها از عمق توطئه تلاش فوق العاده داشت و شاهد آن خطبه‌های فراوانی است که آن حضرت علیه السلام پیش از جنگ جمل و نهروان وصفین ایراد کرده و به دوستان خویش نیز دستور داد که خطبه‌های آگاهی بخش ایراد کنند. ۲- بر نصیحت و ارشاد آنها نیز تاکید داشت؛ ۳- در این مسیر، گاه مدتی جنگ را به تاخیر می‌انداخت تا زمینه فکر و اندیشه در مخالفان پدید آمده و از طریق انحراف، به صراط مستقیم هدایت شوند. بر این اساس امام علی علیه السلام در رفتار سیاسی با مخالفان خویش سه راهبرد اساسی داشت: گفت‌وگو؛ مدارا؛ برخورد قاطع. (ابن ابی الحدید، ج ۱، ۲۶۴)

۶- سبک زندگی خاص حضرت علی علیه السلام در رفتار مطلوب سیاسی

سومین ویژگی مهم از مؤلفه رفتار سیاسی امام علی علیه السلام، از نظریه آلفرد آدلر سبک زندگی خاص یا ویژه است. سبک زندگی خاص، یعنی کلیت بی‌همتا و فردی زندگی که به طور کلی همه فرآیندهای عمومی زندگی، ذیل آن قرار دارد. (Adler.1956: 191)

۱- ۶- عدالت محوری

عدالت محوری جز با شناخت عدالت حاصل نمی‌شود. بر این اساس و به ناگزیر تعریف عدالت از دیدگاه امام علی علیه السلام لازم می‌آید. امام علیه السلام عدالت را به معنای قراردادن هر چیزی در جای خود (حقیقت، ۱۳۸۰: ۸۹) و دادن هر حقی به صاحبش به کار برده است (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ۱۳۸۳). علاوه در برخی موارد نیز عدالت را این گونه معنا کرده است که هر چه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بیسند (قربان نیا، ۱۳۸۱: ۲۳) عدالت امام علیه السلام را می‌توان در سه عرصه: ۱- مدیریت، مثل تغییر مدیران نالایق و فاسد که در زمان خلفای گذشته روی کار آمدند... ۲- تقسیم بیت المال: عدم تفاوت بین طلحه و زبیر و عقیل و... ۳- مدیریت قضایی: اجرای احکام الهی ارزیابی کرد. البته امیرمؤمنان علیه السلام به عدالت اجتماعی بیش‌تر از عدالت فردی و شخصی می‌نگریست (نهج البلاغه ۳۱ نامه: ۱۳۸۳). جرداق در این باره می‌گوید: مسئله ای که علی بن ابی طالب علیه السلام را به پذیرش خلافت مجبور کرد در خطر بودن عدالت اجتماعی بود» (جرداق، ۱۳۷۶: ۱۵۲) آن حضرت علیه السلام در توصیه به کارگزاران سیاسی اش،

گسترش و استقرار عدالت در جامعه را مطرح می‌کند (همان) و از آنان می‌خواهد که اجرای حق و عدالت و جلب رضایت افراد جامعه در نزدشان از محبوب‌ترین امور باشد (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ۱۳۸۳). امام علی (علیه السلام) برای این که بفهماند عدالت عنصر ذاتی و مهم‌ترین رکن سیاست است (عبدالمقصود، ۱۳۷۱: ۳۷) و همچنین برای تفهیم اقامه حق و رعایت موازین عدالت به منزله یکی از راهبردهای اساسی جامعه علوی (نبوی، ۱۳۸۰: ۱۸۴) هیچ مصلحتی را بالاتر از حق و عدالت قرار نداد (کاظمی، ۱۳۷۶: ۱۶۷) و فرمان داد که:

« أَصِفِ اللَّهَ وَأُصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ، ... »

باهیچ کس و به هیچ وجه بر خلاف انصاف و عدالت رفتار مکن (نهج البلاغه، نامه ۵۳). عدالت محوری بهترین مشخصه مؤمنان است و آن قدر اهمیت دارد که حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «حاضر نیستم لحظه‌ای از سیره پیامبر (صلی الله علیه و آله) که مبنای عدالت است کنار بگیرم» (موسوی خوئی، ۱۳۸۴: ۱۲۰) بنابراین زمام دارانش را موظف می‌کند که از حکومت‌های عادل پیش از خود درس بیاموزند و در چیزی که با دیگران برابرند خود را برتر نپندارند (نهج البلاغه، نامه ۵۳). ابرانگاری حضرت علی (علیه السلام) تا جایی پیش رفت که در اجرای عدالت بین دوست و دشمن یعنی حضرت عقیل و معاویه تفاوتی ننهاده (موسوی خوئی، پیشین: ۸۸). و بر این باور رسید که

« أَلِزِمِ الْحَقَّ مَنْ لَزِمَهُ مِنَ الْقَرِيبِ وَالْبَعِيدِ » (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

عدالت گستری امام علی (علیه السلام) را در بیش از ۱۰۰ مؤلفه می‌توان کدگذاری کرد. از جمله آنها عدم تساوی در برخورد با نیکوکار و بدکار، جمع‌آوری عادلانه خراج، مجازات متخلفین و... پایبندی حضرت به موازین عدالت سبب شد تا وی در راه رعایت عدالت در محراب عبادت به شهادت برسد. در نتیجه به نظر می‌آید بتوان عدالت محوری امام (علیه السلام) را عنصری اساسی در اخلاقی کردن سیاسی به حساب آورد.

۲-۶- بی‌توجهی به تعلقات

در تعالیم اسلامی از دنیا به محلی ناپایدار و زودگذر تعبیر شده است. دنیا محل رنج و مشقت، و لذت‌های آن فانی و زودگذر است. امیرالمؤمنین (علیه السلام)، آن ابرمرد عرصه تاریخ، به لذت‌های فانی و نعمت‌های ناپایدار دنیا بی‌اعتنا بود. در مورد زهد و بی‌رغبتی نسبت به این دنیای دون با تعبیری زیبا فرموده‌اند: «به راستی که من دنیا را سه طلاقه کرده‌ام که در آن رجوعی نیست و افسارش را بر دوشش انداخته‌ام» (خطبه ۲۱۵). نیز فرمود:

«... دُنْيَاكُمْ هِدِيهِ أُرْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَفْطَةِ عَنَزٍ»

(خطبه ۳) دنیای شما نزد من خوارتر است از عطسه (آب بینی) بز ماده. و نیز فرموده:

«... وَإِنَّ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لِأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمِّ جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا؛» (خطبه ۲۲۴).

و همانا این دنیای شما نزد من خوارتر و پست تر است از برگی که در دهان ملخی باشد که آن را می‌جود.

درفتارسیاسی حضرت علی (علیه السلام) زندگی زاهدانه و بی‌تعلقی به دنیا باعث شد که حتی دشمنانش او را ستودند.

۳-۶- ساده زیستی

امام علی (علیه السلام) الگوی کامل فرهنگ ساده زیستی بود. و در سیره سیاسی خود فرهنگ ساده زیستی را به عرصه عمل تبدیل کرد که با هیچ یک از کارگزارانش تعارف نداشت. هنگامی که باخبر شد کارگزارش عثمان بن حنیف انصاری در جشن عروسی جوانی بصری شرکت کرده که در آن مجلس بسیار ریخت و پاش شده، نامه ای به او نوشت و ضمن توبیخ او به خاطر شرکت در آن مهمانی، زندگی خود را چنین توصیف کرد:

«... آگاه باش برای هر مسلمانی، پیشوایی است که باید از او پیروی کند و به نور او روشن شود. اینک بدان که پوشاک پیشوای تو در این دنیا، جامه‌ای پاره و پشمین و طعامش، خوراکی ناگوار و قرص نانی جوین است و پیوسته به اینها بسنده می‌کند. شما نمی‌توانید چنین زندگی کنید، ولی مرا به زهد و پاکدامنی و کوشش در راه حق و عدالت یاری کنید. به خدا سوگند! در این دنیا درهم و دینار و طلایی نیندوخته و از غنیمت‌های آن ثروتی پس انداز نکرده‌ام و به جز این ردای کهنه که بر تن دارم، جامه دیگری برای خویش تدارک ندیده‌ام... اگر بخواهم برابم آسان است که از شهدهای پاک و مغز نان گندم و جامه‌های زربافت و ابریشمی بهره گیرم، ولی دستم را از دامان این آرزوهای فریبنده کوتاه کرده‌ام و مرا رغبتی نیست که با حرص و ولع دهان به طعام‌های خوش گوار و شیرین آشنا کنم» (نهج البلاغه، نامه ۴۵). لذا امام علی (علیه السلام) چنان در عبودیت و عدالت و زهد و تقوی بالاتر از همه قرار داشت که خلفای گذشته را در نزد مردم بی‌موقعیت نمود که مردم می‌گفتند: عدالت و تقوی یعنی این. و خلفای آینده نیز هر چه خواستند نتوانستند راه او را بروند و به زحمت افتاده و در نزد مردم ارزشی پیدا نکردند. (اربلی، ۱۴۰۵: ۳۷)



یاوقتی حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عاصم بن زیاد که ترک لذت‌های حلال کرده بود اعتراض کرد و رهنمود داد که نباید از حلال الهی و از زندگی لازم و مناسب پرهیز داشت، عاصم بن زیاد به صورت اعتراض گفت:

یا امیرالمؤمنین (علیه السلام)! شما هم که از لباس های بسیار ساده و غذاهای ساده استفاده می کنید و بسیاری از لذت‌های حلال را ترک کرده اید!! حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در پاسخ او فرمود:

«قَالَ وَحَيْثُ لَسْتُ كَأَنْتَ إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيَّ أَنْ يَكُنَّ الْعَدْلُ أَنْ يُقَدَّرَ وَأَنَّفُسَهُمْ بِصَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعُ بِالْفَقِيرِ فَقْرُهُ» (تقفی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۸۸)

وای بر تو، من همانند تو نیستم چون رهبر جامعه‌ی اسلامی می باشم همانا خداوند بر امامان عادل واجب کرده است که چونان ضعیف‌ترین انسانها زندگی کنند تا تهیدستی بر محرومان و فقرا فشار نیارود.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) پنج سال حکومت کرد و در طول این مدت آجری بر آجر و خشتی روی خشت نهاد و زمینی را به خود اختصاص نداد و درهم سفید و دینار سرخی به ارث نگذاشت. (ابن شهر آشوب، ج ۲، ۹۵)

نمونه‌هایی از ساده‌زیستی آن حضرت (علیه السلام) که در منابع تاریخی و روایی آمده است عبارتند:

- ۱- غذای ساده و پرهیز از غذاهای چرب و شیرین (ابن راوندی، ج ۳: ۸)
- ۲- پرهیز از سکونت در خانه‌های مجلل (ابن جوزی حنفی، ۱۳۸)
- ۳- برخورد قاطعانه با خیانت کارگزاران (محدث نوری، ج ۳: ۲۷۳)
- ۴- هشدار از بی اعتباری دنیای حرام (زمخشری، ج ۴: ۵۶)
- ۵- استفاده از فرش‌های ساده و سادگی در لوازم خانه (بحرانی، ج ۱: ۳۶۵)
- ۶- ساده زیستی در کمال توانائی (مجلسی، ج ۴۰: ۳۲۷)
- ۷- پرهیز از زراندوزی (همان)
- ۸- و...

۴-۶- عمل به تکالیف و وظایف محوله

حضرت علی (علیه السلام) معصوم بود، در زمان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، در انجام وظایف محوله مطیع بود و در زمان خلفا علی رغم اینکه خلافت آنها را نامشروع می دانست اما به دلیل اتحاد امت اسلام و حفظ اسلام، همکاری

با آنها را یک تکلیف می‌دانست. همچنین پذیرش حکومت را تکلیف می‌دانست تا بتواند حق را به پا دارد. لذا از اهداف آرمانی امام علی (علیه السلام) در به دست گرفتن حکومت، برپایی نشانه‌های دین، اصلاح در بلاد، اقامه حدود الهی، و امنیت بخشی به مظلومان (نهج البلاغه خ ۱۳۱، / حرانی، ۱۳۶۳، ۲۳۸ / اسکافی، ۱۴۰۲، ۲۲۷) بوده است. در سال ۳۵ هجری و پس از قتل عثمان، حضرت علی (علیه السلام) انگیزه خود از پذیرش حکومت را صرفاً برقراری عدالت اجتماعی (احساس وظیفه در جهت یاری مظلوم و مقابله با ظالم) معرفی می‌کند. (خطبه ۳، شیخ مفید، ج ۱، [بی تا]، ص ۲۸۹ / شیخ صدوق، ج ۱، ۱۳۸۶، ق ۱۵۱) آن حضرت در همین زمان و در وقت بیعت مردم با ایشان، در کلامی پس از یاری خواستن از مردم برای اصلاح امور، سوگند یاد کرد که داد مظلوم را از ظالم خواهد گرفت (خطبه ۱۳۶). رفتار سیاسی آن حضرت (علیه السلام) در انجام تکالیف و وظایف، اطاعت محوری او را از فرامین الهی تفسیر می‌کنند. لذا پذیرش امر خلافت رابه دلیل تکلیفی که مردم هجوم آوردند می‌داند.

۷- دوراندیشی یا آینده نگری حضرت علی (علیه السلام) در رفتار مطلوب سیاسی در جامعه
 چهارمین ویژگی مهم از مؤلفه رفتار سیاسی امام علی (علیه السلام)، از نظریه آلفرد آدلر دور اندیشی یا آینده نگری امام علی (علیه السلام) است. که به تبیین و توصیف عوامل پرداخته شد.

۷-۱- فهم و تحلیل درست از شرایط تاریخی
 علی (علیه السلام) خزانه علم الهی (کلینی، ج ۱: ۷۳۷) و عتبه و درگاه بلند علم بی کران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) (متقی هندی، ۱۴۰۱ خ ۳۲۷۹) و سینه او، محل جمع علوم فراوان است (مجلسی، ج ۳۷: ۴۲۷) او امام مبینی است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در وصفش فرمود: «امام مبین» همین علی (علیه السلام) است. او امامی است که خداوند تبارک و تعالی دانش همه چیز را در او نهاده است (ابن ابی الحدید، ج ۲: ۲۸۶) علم آن حضرت از سه جهت گذشته، حوادث فعلی و آینده گسترش دارد. او از گذشته، آینده و حوادث عصر خود، آگاهی کامل و کافی داشت (کلینی، ج ۱: ۳۲۹). لذا پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در وصف علم حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید:

« أَعْلَمُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) »

(شرح الاخبار، ج ۱: ۱۲۵، کنز العمال، ج ۱۱: ۶۱۴) داناترین امت من بعد از من علی بن ابی

طالب (علیه السلام) است.»

عبدالله بن مسعود می‌گوید، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«فُتِّمَتِ الْحِكْمَةُ عَلَى عَشْرَةِ أَجْزَاءٍ فَأَعْطِيَ عَلِيٌّ تِسْعَةً وَالتَّاسِ جِزَاءً وَاحِدًا؛

(کشف الغمه، ج ۱: ۱۵۰ ابونعیم اصفهانی، ۱۹۶۷: ۶۴) حکمت (و دانش) به ده جزء تقسیم

شده است و به علی نه قسمت آن و به (مابقی مردم) یکدهم داده شده است.»

تمامی علوم بشری و پیشرفت‌های آن جزء همان یکدهم است، و علم علی (علیه السلام) نه برابر دانش تمامی بشریت است. و راز آن هم این است که ریشه در مهبط وحی الهی یعنی پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دارد، که خود فرمود:

«انامدینة العلم و علی بابها، فمن اراد العلم فیات الباب:» (حاکم نیشابوری، ج ۳: ۱۲۶)

من شهر علم (الهی و وحیانی) هستم و علی در آن است پس هر کس اراده دانش دارد باید از درب (شهر) وارد شود.»

براین اساس از روایات متعدد به دست می‌آید که علی (علیه السلام) دارای علم غیب بود و از حوادث گذشته و آینده اطلاع داشت. اینک فهرست نمونه‌هایی از اخبار غیبی حضرت در این جا ذکر می‌شود:

خبر از قتل امام حسین (علیه السلام)، خبر از فرمانده سپاه، گمراه شدن حبیب بن حمار، خبر از کشته شدن اعدای باهله توسط حجاج، خبر از شهادت عمرو بن حمق، خبر از به دار آویخته شدن جویریة و میثم تمار، خبر از قطع دست و پای رشید هجری، خبر از کشته شدن خوارج توسط آن حضرت، خبر از غرق شدن بصره، خبر از حمله تاتارها و امثال آن‌ها. (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲، ۲۸۶-۲۹۴؛ ابن اثیر، ج ۳، ۱۷۴ و نهج البلاغه فیض، خطبه، ۱۲). آن حضرت دوستان و شیعیان خود و مؤمنان را از سایر مردم تشخیص می‌داد (مجلسی، ج ۲۶: ۱۱۹) نکته مهم در این بحث این بود که علی رغم تحلیل حضرت علی (علیه السلام) از حوادث تاریخی، قبل از اتفاق حادثه، رفتارسیاسی منفی از خود بروز نمی‌داد بلکه رفتار صحیح را اعمال کرد.

۲-۷-ارائه طرح تأسیس نظام جدید

پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) تا سال ۳۵ هجری، آموزه‌های اسلامی و سنت نبوی بسیار تغییر کرده بودند؛ مفاسدی در جامعه به صورت فرهنگ عمومی درآمد بود؛ انحرافات دینی شدت یافته بود؛ بنی‌امیه بر بسیاری از امور سلطه یافته بودند؛ با قتل عثمان، فتنه‌ای در جامعه برپا شده بود؛ سیره خلفا که در مواردی مخالف سیره نبوی بود، به شدت در میان مردم نفوذ یافته بود و روحیه رفاه‌طلبی و توجه به دنیا و زراندوزی، بسیاری از افراد را از حقیقت دور ساخته بود. در این دوران ظلمت بر جهان اسلام حاکم شد. در همین سال پس از قتل خلیفه سوم توجه مردم به علی (علیه السلام) برای زمامداری جلب شد. آنها با جدیت و سخت‌گیری، خواستار پذیرش حکومت توسط علی (علیه السلام) بودند. (دینوری، ۱۴۱۰، ج ۱، ۶۵-۶۶ / طبری،

ج ۴، ۱۳۸۷، ۴۲۷/ یعقوبی، ج ۲، [بی تا]، ۱۱۷۹/ ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، ۴۳). حضرت علی علیه السلام آنان را هنگام هجوم برای بیعت، به شتران تشنه در اطراف حوض‌های آب تشبیه کرده است. (خطبه ۲۲۹، / اسکافی، ۱۴۰۲ ق، ۴۹). پس از بیعت مردم با علی علیه السلام حکومت او تشکیل شد نظام جدیدی که با خلفای گذشته متفاوت بود. این نظام بر اساس «توحیدمحوری»، «امامت محوری»، «نص محوری» و... که به تعبیر قرآن حکومت صالحان می‌باشد. براین اساس تشکیل حکومت جدید به لحاظ مبانی، روش، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و فرجام‌شناسی با ۲۵ سال حکومت‌های قبل از حضرت علی علیه السلام متفاوت بود که چند نمونه از تفاوت‌ها عبارتند از:

۱- توجه به سیره و عملکرد امیرمؤمنان علی علیه السلام نشان می‌دهد که آن حضرت علیه السلام به هیچ روی حکومت را فقط برای حکومت کردن بر مردم نمی‌خواست. بلکه هدف آن حضرت از به دست گرفتن حکومت و قدرت، برپایی عدالت بود.

۲- مبنای پذیرش حکومت در نظر او با دیگران تفاوت اساسی داشت. پس از روی کار آمدن خلیفه اول و کناره‌گیری امام علی علیه السلام، حضرت علیه السلام با اشاره به ارتداد برخی مسلمانان از اسلام، و یاری رساندن خویش به اسلام در چنین شرایطی حکومت بر مردم را کالای چندروزه دنیا معرفی می‌کند که با سرعتی چون سراب و لکه‌های ابر، روزگار آن سپری خواهد شد (نامه ۶۲، / دینوری، ج ۱، ص ۱۷۵ / ثقفی کوفی، ج ۱، ۱۳۵۳، ۳۰۵ و ۳۰۶). آن حضرت علیه السلام در شورای شش نفره‌ای که خلیفه دوم تشکیل داد، هرگز حاضر نشد با توسل به دروغ، حاکمیت را به چنگ آورد (ابن ابی‌الحدید، ج ۱، ۱۳۷۸ ق، / ۱۸۷). حضرت علی علیه السلام در سخنی می‌فرماید: «بدانید اگر من دعوت شما را بپذیرم، طبق آنچه می‌دانم با شما رفتار می‌کنم و به سخن این و آن، و سرزنش، سرزنش‌کنندگان گوش فرا نخواهم داد» (خطبه ۹۲، / ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱، ۳۷۸ / طبری، ۱۳۸۷، ج ۴، ۴۳۴ / ابن مسکویه، ۱۳۷۹، ج ۱، ۴۵۸). این سخن نیز نشان از فاصله‌ای است که خلفای پیشین از سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داشته‌اند. بنابراین تأسیس نظام جدید در رفتارسیاسی علوی بر دین‌داری، عدالت‌گرایی، قانون‌مداری، آزادی و امنیت جامعه تشکیل شد. حکومت از دیدگاه حضرت علی علیه السلام مبارزه با فساد و زیاده‌طلبی بود، حکومت دفاع از مظلوم و سرکوبی ظالم، پشتیبانی از ضعیف و مقابله با توانمندان بود، حکومت اصلاح‌جامعه و حرمت نهادن به انسان بود (مطهری، ۱۳۸۱: ۵۲). امام علی علیه السلام سیاست‌های حکومت خود را با تکیه بر احکام شریعت و سنت نبوی طراحی می‌کرد. آن حضرت علیه السلام چه در مبانی نظری و چه در سیره عملی خود، بر آن بود تا مدلی از نظام مدیریت اسلامی را در زمان خویش اجرا کند و برای آینده مسلمانان نیز معیارهای لازم و اصول کلی را ارائه دهد؛ زیرا برقراری

امنیت داخلی، توازن اجتماعی و نظم، وصول بودجه عمومی، جلوگیری از هرج و مرج و دفع فساد، جنگیدن با دشمنان و متجاوزان، فعالیت دستگاه قضایی و اجرای احکام و مقررات قانونی، از اموری است

۳-۷- تدابیر عملی و کارساز در اداره امور جامعه و اولویت بندی مسائل

تدبیر عملی و کارساز حضرت علی (علیه السلام) را باید در این خطبه تحلیل کرد که می فرماید:

لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَقِيَامُ الْحُجَّةِ بوجُودِ النَّاصِرِ وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَا يَقَارُؤُا عَلَى كِطَابَةِ ظَالِمٍ وَلَا سَعْبِ مَظْلُومٍ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسٍ أَوْهَا (نهج البلاغه، خ ۳)

«آگاه باشید! سوگند به خدایی که میان دانه را شکافت و انسان را آفرید، اگر نبود حضور حاضر و قیام حجت به خاطر وجود یاری کننده و اگر نبود عهد الهی که خدای تعالی از دانایان گرفته تا بر سیری ظالم و گرسنه ماندن مظلوم راضی نشوند هر آینه ریسمان و مهار شتر خلافت را بر کوهان آن می انداختم و آخر خلافت را به کاسه نخست آن آب می دادم.»

حضرت راه تحقق اداره امور جامعه را با توجه به خطبه های ذکر شده و رسیدن به گرفتن حق و زدودن باطل در امور زیر می داند. لذا اداره جامعه در سیره سیاسی علوی (علیه السلام) بر محور:

۱- عدم قدرت طلبی و بی توجهی به قدرت: پذیرش حکومت به مفهوم ریاست طلبی و سلطه جویی نبود، بلکه حکومت از این جهت نزد آن حضرت (علیه السلام) بسیار ناچیز و پست است که از عطسه یک بز زکام خورده و یا از لنگه کفشی پاره، بی ارزش تر است (فخر رازی، ۱۴۲۱: ۳۶/۱۰)

۲- ارزش حکومت به خاطر رسیدن به حق است.

۳- حفظ و حراست از آموزه های دینی: امام علی (علیه السلام) به گسترش اسلام در جهان و تثبیت بنیان آن در داخل کشور اسلامی می اندیشید و از طریق آشنا کردن مردم با معارف الهی، به دفاع از اسلام نوپا می پرداخت (بیهقی، ۱۳۶۶: ۱۶۴/۷؛ زمخسری، ۱۳۶۶: ۵۱۸/۱؛ ابن حزم، ۱۴۱۶: ۱۳۳/۹) و در این خصوص از اختلاف و ایجاد تنش در جامعه جلوگیری می کرد.

۴- دلسوزی نسبت به اموال بیت المال. (ری شهری، ۱۳۷۹: ۴۴۴- نهج البلاغه، نامه ۲۷)

۵- تأمین امکانات اولیه زندگی مردم. (نهج البلاغه، خ ۱۰۵) امام علی (علیه السلام) در راه رسیدن به این هدف از هیچ تلاشی دریغ نکرد. با تقلیل مالیاتها و ایجاد زمین های کشاورزی و سپردن آن به دست مردم زندگی آنها را رونق بخشید.

- ۶- نظارت بر قیمت‌ها و تنظیم بازار (همان، نامه ۵۳-۱۰۵)
- ۷- توجه خاص به مسائل مالی افراد محروم جامعه: (همان، نامه ۵۳)
- ۸- نصب قاضیان برتر برای قضاوت و توجه و رسیدگی مستقیم بر رأی قاضیان. (همان: نامه ۵۳)
- ۹- پرده پوشی و نادیده گرفتن عیوب مردم» (نامه ۵۳)
- ۱۰- همکاری و همیاری نسبت به زمامداران» (خ ۳۴)
- ۱۱- هماهنگی و انسجام در جامعه: امام علی (علیه السلام) با تبیین نقش رهبر و مدیر جامعه در هماهنگی و انسجام میان نیروها و جامعه در اداره جامعه کوشید (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶) و...

نتیجه

از مطالبی که در این مقاله به اجمال آمد، نتیجه رفتار مطلوب سیاسی را باید عبارت دانست از:

- ۱- استقرار حکومت برای انتظام امور مردم و توازن اجتماعی از اصول مهم اندیشه امام علی (علیه السلام) می‌باشد.
- ۲- حکومت مورد نظر امام علی (علیه السلام) مبتنی بر معیارهای اسلامی بوده و از دو شاخصه مهم دینداری و عدالت برخوردار است.
- ۳- استقرار، ثبات و دوام حکومت مطلوب ایشان، علاوه بر مبانی معرفتی و نظری، و قانون جامع و کامل، به وجود زمامداران و کارگزاران صالح، شایسته و کارآمد نیاز دارد. که دارای رفتار مطلوب سیاسی باشند.
- ۴- از برنامه‌های اصلاحی امام علی (علیه السلام) در دوره زمامداری ارائه یک الگوی جامع مدیریتی در اداره حکومت اسلامی می‌باشد.
- ۵- امام (علیه السلام) در برنامه خود، کارگزاران حکومت را بر اساس معیارهای ارزشی و صلاحیت‌های لازم متناسب با مناصب مختلف انتخاب می‌کردند.
- ۶- ایشان طی نامه‌های مختلف به کارگزاران خود و یا در خطبه‌های عمومی، دستورالعمل‌ها و توصیه‌های لازم را در حوزه مسؤلیت آنها و اخلاق اجتماعی و نحوه برخورد با مردم ارائه می‌دادند.

۷- به منظور رعایت عدالت و حسن اجرای امور، بر عملکرد و رفتار کارگزاران خود نظارت و مراقبت شدید اعمال می نمود و با مشاهده تخلف و سستی از جانب آنها، به نکوهش، مؤاخذه و یا عزل ایشان می پرداخت.

۸- همه این اقدامات به منظور سالم سازی فضای عمومی جامعه و برقراری آرامش و امنیت در میان مردم و افزایش اطمینان و اعتماد مردم به زمامداران انجام می گرفت.

۹- نیازاست حاکمان جامعه اسلامی در رفتار سیاسی خود شاخصه های سیره علوی را برای اعتماد سازی در جامعه انجام دهند.

منابع

قرآن.

نهج البلاغه، ترجمه محمددشتی

۱. ابن اعثم کوفی، احمد بن محمد ۱۳۸۸ق، *الفتوح*، حیدرآباد دکن: دایرة المعارف العثمانیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲. اربلی، علی بن عیسی، ۱۴۰۵ق، *کشف الغمة*، بیروت: دارالاضواء.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۵ش، *علل الشرائع*، قم: کتاب فروشی داوری.
۴. ابن حزم، علی بن احمد، ۱۴۱۶ق، *الفصل فی الملل والاهواء والنحل*، بیروت: دارالجبل.
۵. ابن اثیر جزری، علی، ۱۴۰۹ق، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر.
۶. ابن اثیر، مجد الدین، ۱۳۶۴ش، *النهاییه فی غریب الحدیث والاثیر*، تحقیق: طاهر احمد زاوی و محمود محمد طناحی، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۷. الامدی التمیمی، عبدالواحد ۱۴۰۷ق، *عمر الحکم و درر الکلم*، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۸. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۳۵۱ق، *البدایة والنهاية*، مصر: مطبعة السعادة.
۹. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی بن حسین ۱۴۰۴ق (۱۳۶۳ش)، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۱۰. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (بی تا)، *مناقب آل ابی طالب*، تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات علامه.
۱۱. ابن مسکویه، احمد بن محمد، ۱۴۱۲ق، *تهذیب الاخلاق*، قم: انتشارات بیدار.
۱۲. ابن عساکر، علی بن حسن، ۱۳۹۸ق، *تاریخ مدینه دمشق*، دمشق: مجمع اللغة العربیه.
۱۳. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله ۱۴۰۴ق، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: کتابخانه آية الله مرعشی نجفی،
۱۴. اسکافی، محمد بن عبدالله، ۱۴۰۲ق، *المعیار والموازنه*، بیروت: [بی نا].
۱۵. ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، ۱۹۶۷م، *حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء*، تحقیق: محمدمامین خانجی، بیروت: دارالفکر.
۱۶. بلاذری، احمد بن یحیی ۱۹۷۴م، *انساب الاشراف*، تحقیق، محمد باقر محمودی، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۱۷. برزگر، ابراهیم، ۱۳۸۹ش، *روان شناسی سیاسی*، چاپ دوم، تهران: نشر سمت.

۱۸. برقی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱ق، *المحاسن*، قم: دار الکتب الإسلامیه.
۱۹. بیهقی، احمد بن حسین، ۱۴۱۹ق، *السنن الکبری*، بیروت: دار الفکر.
۲۰. ثقفی، ابراهیم بن محمد، ۱۳۷۴ش، *الغارات*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
۲۱. جرداق، جورج، ۱۳۷۶ش، *صدای عدالت انسانی*، ترجمه سیده‌های خسروشاهی، قم: نشر خرم.
۲۲. جعفری، محمدتقی، ۱۳۵۹ش، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۳. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسه آل‌البتین (عج).
۲۴. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، ریاض: مکتبه النصر الحدیث.
۲۵. دینوری، احمد بن داوود، بی تا، *الاخبار الطوال*، بغداد: المکتبه العربیه.
۲۶. رضائیان، علی، ۱۳۸۳ش، *مدیریت رفتار های سیاسی در سازمان*، تهران: انتشارات سمت.
۲۷. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دارالکتب العربی.
۲۸. سیاسی، علی اکبر، ۱۳۷۷ش، *نظریه های شخصیت یا مکاتب روان شناسی*، چاپ چهاردهم، تهران: نشر دانشگاه تهران.
۲۹. سیدمحمدی، یحیی، ۱۳۹۲ش، *نظریه های شخصیت*، تهران: ویرایش.
۳۰. شفیع آبادی، عبدالله، ۱۳۸۶ش، *یویایی گروه و مشاوره‌ی گروهی*، تهران: رشد.
۳۱. شریف رضی، محمد بن حسین، ۱۴۰۹ق، *خصایص الائمة، خصائص امیر المؤمنین (عج)*، تحقیق: محمد هادی امینی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
۳۲. صالحی شامی، محمد بن یوسف، ۱۴۰۴ق، *سبل الهدی والرشاد فی سیره خیر العباد*، بیروت: دارالکتب الاسلامی.
۳۳. صدر، محمدباقر، ۱۳۹۸ش، *اعتقادات*، ترجمه محمدحسین ملک زاده، قم: دارالصدر.
۳۴. طبری، محمد بن جریر، ۱۴۰۷ق، *تاریخ الامم والملوک*، بیروت: دار التراث.
۳۵. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۵ق، *مجمع البیان*، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۳۶. عبدالمقصود، عبدالفتاح، ۱۳۷۱، *امام علی بن ابیطالب (عج)*، ترجمه: سید محمود طالقانی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۳۷. عمیدزنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۶ش، *اصول و مقررات حاکم بر مخاصمات مسلحانه (جهاد)*، تهران: امیرکبیر.
۳۸. فخر رازی، محمدبن عمر، ۱۴۲۱ق، *التفسیر الکبیر*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۹. فخمی، فرزاد، ۱۳۸۳ش، *مدیریت رفتار سازمانی*، تهران: هستان.
۴۰. قربان‌نیا، ناصر ۱۳۸۱ش، *عدالت حقوقی*، تهران: دانش و اندیشه معاصر.
۴۱. کاظمی، سیدعلی، ۱۳۷۶ش، *اخلاق و سیاست، اندیشه سیاسی در عرصه عمل*، تهران: قومس.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۷۵ش، *الکافی*، چاپ دوم، طهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۳. مورهد گرگوری، ۱۳۸۸ش، *رفتار سازمانی*، ترجمه: سیدمحمد الوانی و غلامرضا معمارزاده، تهران: مروارید.
۴۴. مشبکی، احمد، ۱۳۸۸ش، *سیمای سازمان*، مروری بر اثر ارزشمند گرت مورگان درباره سازمان و استعاره‌های آن. تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۴۵. محمدی ری شهری، محمد ۱۳۷۹ش، *سیاست نامه امام علی (علیه السلام)*، ترجمه مهدی مهریزی، قم: دارالحدیث.
۴۶. منقی هندی، علی بن حسام الدین، ۱۴۰۱ق، *کنز العمال فی سنن الأفعال والأفعال*، ج ۱، تحقیق، بکری حیانی، صفوة السقا، چاپ پنجم، بیروت: مؤسسه الرسالة.
۴۷. موسوی خوئی، محمدصالح، ۱۳۸۴ش، *امام شناسی*، قم: شاکر.
۴۸. مفید، محمد بن محمدنعمان، بی تا، *الارشاد*، قم: انتشارات بصیرتی.
۴۹. مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی، ۱۳۶۳ش، *بحار الانوار*، طهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۱ش، *سیری در سیره ائمه اطهار (علیهم السلام)*، قم: صدرا.
۵۱. یعقوبی، احمدابن یعقوب، ۱۳۷۸ش، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه ابراهیم آیتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

مقالات

۵۲. ثواب، جهان بخش، ۱۳۹۵ش، عملکرد فرماندهان نظامی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در سرنوشت پیکار صفین، مقایسه موردی: مالک اشتر و أشعث بن قیس، *تاریخ اسلام*، سال هفدهم، شماره ۴ (پیاپی ۶۸).
۵۳. حقیقت، سیدصادق، ۱۳۸۰ش، آسیب شناسی حکومت از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، *دانش نامه امام علی (علیه السلام)*، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.



۵۴. فلاخ زاده، محمدهادی، علی اکبری، راضیه، ۱۳۹۵ش، شیوه مدیریت حضرت علی (علیه السلام) در جامعه اسلامی عصر خلفا، فصلنامه پژوهش نامه اسلامی، شماره ۶، صص ۱۱۷-۱۳۱.
۵۵. قاسم پور، رمضان، غفاری، زاهد، کشاورز شکری، عباس، ۱۳۹۶ش، مؤلفه های رفتار سیاسی امام خمینی (جذب افراد بر اساس دیدگاه آلفرد آدلر)، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۲۵.
۵۶. کریمی، مرضیه، ۱۳۸۹ش، ویژگی های اخلاقی امام خمینی (قدس سره)، مجموعه مقالات برگزیده همایش اندیشه های اخلاقی عرفانی امام خمینی (قدس سره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره)، نشر عروج.
۵۷. نبوی، سیدعباس، ۱۳۸۰ش، جامعه آرمانی، دانش نامه امام علی (علیه السلام)، ج ۶، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

58. Farrell D, Peterson JC 1982. Patterns of political behavior in organizations. Acad Manage Rev.
59. Pfeffer J. 1981. Power in Organizations. USA, Mass: Pitman Publishing ; Geertz, Clifford (1983), "Centers, Kings and Charisma: Retlection Of The Symbolice Of Power", in Idem, Local Knowledge Further Essays in Interpretive Anthropology, Newyork, Basic Books.

